

## حق آزادی، شعب و مصادیق آن در اسلام و اسناد بین الملل

### حقوق بشر

فاطمه محقق<sup>۱</sup> عاطفه حسن زاده<sup>۲</sup>

#### چکیده

مفهوم آزادی و ابعاد مختلف آن و حدود و انواع آن همیشه مورد توجه صاحب نظران، اندیشمندان و مکاتب مختلف بوده است و هرکدام نسبت به جهان بینی و شناخت و برداشت خود از نظام خلقت، تعریف و مصداقی برای آزادی ذکر کرده اند. حق آزادی نیز از دیرباز، تعاریف و مصداق های مختلفی به فراخور دیدگاه مکاتب فکری داشته است. پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی انجام شد که انواع تعاریف آزادی، حق آزادی و تبیین آن در منابع اسلام و اسناد بین الملل حقوق بشر و این دو دسته اسناد را از نظر نگاه به حق آزادی، بررسی نموده است. انواع آزادی در منابع اسلامی شامل آزادی معنوی، آزادی عقیده، آزادی بیان و آزادی انتخاب حاکم اسلامی است. انواع آزادی در اسناد بین الملل حقوق بشر نیز شامل آزادی عقیده و آزادی بیان است. برآیند بررسی تطبیقی حاضر، آشکار شدن تفاوت بنیادین حق آزادی در اسلام و اسناد بین الملل در مورد تغییر عقیده و مذهب، آزادی معنوی، انتخاب حاکم اسلامی و مقبولیت وی و مبانی آزادی بیان است.

**واژگان کلیدی:** حق آزادی، شعب و منابع آزادی، اسناد بین الملل،

حقوق بشر.

---

۱. دانش پژوه مقطع کارشناسی حقوق و معارف اسلامی از کشور افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی،

جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

۲. مربی گروه علمی-تربیتی حقوق، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

## ۱. مقدمه

حق آزادی از حقوق طبیعی و فطری انسان است. انسان موجودی است که به طور ذاتی از در بند بودن و محدودیت گریزان است. این حق مبنای حمایت از افراد در برابر سلب خودسرانه آزادی و شرط زیربنایی برای رسیدن به سایر حقوق هاست؛ زیرا در شرایط فقدان آزادی، امکان برخورداری از سایر حق‌ها هم میسر نمی‌شود. حق آزادی پیشینه قدیمی و پشتوانه بسیار قوی دارد. در قرآن کریم و نهج البلاغه به حق آزادی تأکید فراوان شده است. برای مثال «لا اکراه فی الدین» که نشان‌دهنده آزادی در انتخاب عقیده و مذهب است یا این سخن از امام علی علیه السلام که فرمود: «ایها الناس، ان آدم لم یلد عبدا ولا امه و ان الناس کلهم احرار» (محمودی ۱۳۴۷/۱، ۱۹۸). در اسناد بین‌الملل حقوق بشر مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و اسناد منطقه‌ای مانند کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، منشور اروپایی حقوق بشر و اعلامیه اسلامی حقوق بشر اشاره شده است، ولی با توجه به تفاوت بنیادین این حق در این دو دسته منابع، انتظار می‌رود تعریف، حدود، انواع و مصادیق حق آزادی در آنها متفاوت باشد. بنابراین، ضرورت پژوهش حاضر احساس می‌شود تا این موارد را تبیین و روشن کند. در زمینه حق آزادی تاکنون تألیفات و پژوهش‌های زیادی صورت گرفته است که به چند مورد آنها اشاره می‌شود: کتاب بررسی تطبیقی حق آزادی بیان از دیدگاه اسلام و اسناد بین‌الملل حقوق بشر تألیف جوانمیر عبدالهی؛ کتاب آزادی‌های عمومی و حقوق بشر نوشته منوچهر طباطبایی مؤتمنی؛ مقاله آزادی، تعریف، حدود و انواع آن در حکومت دینی از دیدگاه نهج البلاغه نوشته فرهاد عباسی؛ مقاله گستره حق آزادی دین و عقیده در اسناد بین‌الملل حقوق بشر نوشته عبدالمجید سودمندی و حسین شریفی طرازکوهی.

## ۲. مفهوم شناسی

### ۲-۱. حق

حق به معنای ثبوت، ضد باطل و موجود ثابت است. (المقری الفيومی، ۱۴۰۵، ص ۱۴۳) علاوه بر موارد فوق به معنی عدل، مال و ملک نیز به کار رفته است (الخوری الشرتونی، ۱۹۹۲، ص ۲۱۵). این واژه در زبان فارسی در معانی بسیاری به کار رفته است مثل راست، درست، حقیقت، یقین، عدل و داد، نصیب، بهره، سزاواری و شایستگی، ملک و مال (معین، ۱۳۷۱، ص ۱۳۶۳). واژه حق، مفرد کلمه حقوق است. حقوق معانی گوناگونی دارد مانند علم حقوق، حقوق یا دستمزد ماهانه یا هفتگی کارگران، مجموعه قواعدی که بر انسان ازان رو که در اجتماع است، حکومت می کند (کاتوزیان، ۱۳۸۲، ص ۱۴). بعضی حقوق دانان واژه حق را به معنای توانایی شخص بر چیزی یا بر کسی می دانند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱، ص ۱۶۶۹). منظور از حق در اینجا امتیازهایی است که حقوق برای تنظیم روابط مردم و حفظ نظم در اجتماع برای هرکس در برابر دیگران می شناسد و توان خاصی به او می بخشد (کاتوزیان، ۱۳۸۲، ص ۱۱۴).

### ۲-۲. آزادی

هابز می گوید: «آزادی درحقیقت نبود مانع است». (موریس، ۱۳۷۹، ص ۱۴) جان لاک با تکیه بر فردگرایی می نویسد: «آزادی یعنی، ایمنی از جبر و تجاوز دیگران» (کاپلستون، ۱۳۷۵، ص ۵۳۳). کانت می گوید: «آزادی آن است که آنچه را برای سعادت‌مان ضروری است، انتخاب کنیم» (کاپلستون، ۱۳۷۵، ص ۵۳۲). آزادی عبارت است از: برخورداری مردم از حق تعیین سرنوشت خود در چارچوب قانون مورد قبول اکثریت با مشارکت آنها در انتخاب زمام‌داران، نظارت بر عملکرد حاکمان و انتقاد از آنها (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۴، ص ۳۴). در غرب، آزادی عبارت است از: قدرت یا اختیار انجام آنچه کسی خواسته باشد فارغ از مداخله دیگران (کوئینتن، ۱۳۷۵، ص ۲۴۵). آزادی، بیشتر به معنای زیر سلطه دیگران قرار نگرفتن است تا اعمال اراده خویش. آزادی به تعبیر دیگر: «قرار ندادن اراده دیگران زیر سلطه اراده ماست» (روسو، ۱۳۵۸، ص ۲۳۹).

## ۲-۳. شعب

شُعْب [عمومی] شُعْب: ج شِعَاب: راه در کوهستان، آبراهه در زیر زمین، شکاف میان دو کوه، ناحیه، کوی بزرگ. جمع شُعُوب: نسل یا نژادی از مردم، ایل بزرگ، دوری، دور، شکاف. «التَّامُّ شُعْبُهُمْ؛ پس از پراکندگی دور هم جمع شدند». محل پیوند استخوان‌های سر مانند: «هُمَا شُعْبَانٍ؛ آن دو همسانند و مانند یکدیگرند». شَعَبَ [عمومی]، شَعَبَ: «شَعْبًا الشَّيْءُ؛ آن چیز را شکافت، پراکنده کرد، جمع آوری کرد، آن را تباه کرد، آن را نیکو ساخت» (بندریگی، ۱۳۸۶، ص ۴۱۵).

## ۲-۴. منابع

ذوالقرنین فرمود: «سواد لشکرها گرد خضرای دارالملک دایره درآورند و حصار دهند و مزارع را آتش زدن فرمود و منابع را آب بریدن اجازت داد». از منابع عدل و مشارع فضل او در جویبار ملک و دولت او فیض امن و سلامت روان گردانید (ظهیری سمرقندی، ۱۳۸۱، ص ۸). ادب سالک آن است که نفس را در مراتع و منابع حظوظ فرونگذارد. مترادف منابع عبارتند از: منبع‌ها، سرچشمه‌ها، مأخذ، مرجع‌ها و برابر پارسی آن نیز عبارتند از: آبشخورها، بن‌مایه‌ها، بن‌مایگان. منظور از منابع اسلامی، قرآن، سنت، فقه و... است.

## ۲-۵. تعریف اسناد بین‌المللی حقوق بشر

به هرگونه مصوبه مکتوب رسمی دولت‌ها [تابعان حقوق بین‌الملل] که در قالب سند یا مدرکی تنظیم می‌شود مانند یک معاهده و در آن به اهداف و مقاصد دولت‌ها درباره اصول یا هنجارهای حقوق بشری تأکید می‌شود، اصطلاح سند حقوق بشری می‌گویند. چنانچه سندی که تصویب می‌شود شامل تمام دولت‌های دنیا شود از آن به سند بین‌المللی یا جهانی تعبیر می‌شود. عبارت اسناد بین‌المللی حقوق بشر اشاره به نوع خاصی از طبقه‌بندی اسناد حقوق بشری از نظر بین‌المللی یا منطقه‌ای داشته و خود نیز می‌تواند براساس گستره شمولش نسبت به موضوعات یا بر مبنای الزامی و غیرالزامی بودن به عناوین مختلفی طبقه‌بندی شود. (ابراهیمی، ۱۳۹۳، ص ۴۷)

### ۳. انواع آزادی در منابع اسلامی

خداوند متعال بندگانش را آزاد و مختار آفریده و امر و نهی الهی و طاعت و معصیت خداوند، همه بر مبنای اختیار و آزادی انسان هاست. از این رو خداوند متعال، رسولان و پیامبرانی را با کتب آسمانی فرستاد تا انسان‌ها را هدایت کنند. (نهج البلاغه، نامه ۷۸) بنابراین از دیدگاه نهج البلاغه، انسان موجودی است که به طور فطری، مختار و آزاد خلق شده و آزادی جزو خصلت‌های طبیعی و غیرقابل انفکاک اوست، پس قائل شدن آزادی برای انسان به معنای قائل شدن مسئولیت برای اوست. از حضرت علی علیه السلام نقل می‌شود که انسان‌ها همه احرار و آزاده هستند و به طور طبیعی نباید زیر سلطه دیگری باشند: «لاتکن عبد غیرک و قد جعلک الله حراً» (نهج البلاغه، نامه ۳۰). همه انسان‌ها فرزندان حضرت آدم علیه السلام هستند و فرزندان آدم به صورت بنده و کنیز متولد نشده‌اند، بلکه همه آنها آزاده هستند: «ایها الناس ان آدم لم یلد عبدا و لا امه و ان الناس کلهم احرار» (شعبانی، ۱۳۸۸، ص ۱۱۲).

#### ۳-۱. آزادی معنوی

یکی از انواع آزادی از نظر نهج البلاغه، آزادی معنوی و همان وارستگی و آزادی و عدم دلبستگی به هرگونه تعلقات و خواهش‌های نفسانی است. آزادی معنوی یعنی، قسمت عالی و انسانی انسان از قسمت حیوانی و شهوانی او آزاد باشد. (مطهری، ۱۳۶۶، ص ۴۹) آزادی معنوی را جز با نبوت، انبیا، دین، ایمان و کتاب‌های آسمانی نمی‌توان تأمین کرد. این آزادی همان است که در زبان دین به آن تزکیه نفس و تقوا می‌گویند (مطهری، ۱۳۶۶، ص ۱۹). تقوا به انسان آزادی معنوی می‌دهد؛ یعنی او را از اسارت و بندگی هوی و هوس آزاد می‌کند، رشته آز، طمع، حسد، شهوت و خشم را از گردنش برمی‌دارد و ریشه رقیبت‌ها و بردگی‌های اجتماعی را از بین می‌برد. مردمی که بنده پول و مقام و راحت‌طلبی نباشند، هرگز زیر بار اسارت‌ها و رقیبت‌های اجتماعی نمی‌روند (مطهری، ۱۳۶۸، ص ۲۰۸). در مورد این مسئله امام علی علیه السلام می‌فرماید: «بشر باید در ناحیه وجود خودش، در ناحیه روح خودش آزاد بشود تا بتواند به دیگران آزادی بدهد» (مطهری، ۱۳۶۶، ص ۲۲). امام علی علیه السلام در نهج البلاغه معتقد است که تنها عبادت آزادگان و

احرار ارزشمند است. آزادگان، خدا را به شکرانه برای سپاسگزاری از وی عبادت می‌کنند. این نوع عبادت نه طمع بهشت دارد و نه فکر ترس جهنم. فقط و فقط خدا را می‌بیند. تعبیر نهج‌البلاغه برای این طیف از عبادت‌کنندگان عبارت است از: «فتلك عباده الاحرار» (نهج‌البلاغه، نامه ۲۳۷)؛ یعنی عبادت انسان در منطق حضرت علی علیه السلام حتی به بهشت و جهنم بستگی ندارد. از بهشت و جهنم هم آزاد است و فقط به خدای خودش بستگی دارد (مطهری، ۱۳۷۱، ص ۲۰۳).

### ۳-۲. آزادی دین و عقیده

عقیده به معنای چیزی است که شخص بدان اعتقاد و باور دارد. عقاید، چیزهایی هستند که نفس اعتقاد در آن بدون عمل، قصد شده باشد. (دهخدا، ۱۳۴۱، ص ۳۸۰) بنابراین، عقیده امری قلبی است. هرگاه جنبه بیرونی پیدا کرد به آن بیان و تعبیر گفته می‌شود. اینکه برخی متفکران اسلامی عقیده را اجبارناپذیر دانسته‌اند به همین دلیل است که آن امری درونی در نهان اشخاص است (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۷۰، ص ۵۲۴). دین اسلام، آزادی عقیده را به رسمیت می‌شناسد که مصداق آیه «لا اکراه فی الدین» است. به این معنی که در اسلام از آن رو که عقیده، قابل اجبار و اکراه نیست آزادی عقیده وجود دارد (مطهری، ۱۳۷۹، ص ۸۰/۱). از نظر اسلام، دین‌داری اگر از روی اجبار باشد دیگر دین‌داری نیست. می‌توان مردم را مجبور کرد که چیزی نگویند و کاری نکنند، اما نمی‌توان مردم را مجبور کرد که این‌گونه یا آن‌گونه فکر کنند. اعتقاد باید از روی دلیل و منطق باشد، البته مسائل مربوط به امر به معروف و نهی از منکر با شرایط خود در جای خود محفوظ هستند. در این‌گونه مسائل، اصل بر ارشاد است نه اجبار (مطهری، ۱۳۷۵، ص ۶۳).

یکی از شیوه‌های حکومتی امام علی علیه السلام عدم بهره‌گیری از زور، فشار، قدرت و تهدید برای تحمیل فکر و عقیده بود. بنابراین، دین اسلام حق آزادی‌های عقیدتی را برای احزاب و مخالفان خود قائل است که نمونه بارز آن را می‌توان در نحوه مماشات و برخورد امام علی علیه السلام با خوارج و مخالفان خود دید. امیرالمؤمنین علیه السلام در سیاست به آزادی افکار معتقد بود؛ زیرا با

خوارج در منتهای درجه آزادی و دموکراسی رفتار می‌کرد. او خلیفه است و آنها رعیتش و هرگونه اعمال سیاستی برایش مقدور بود، اما او تا وقتی که خوارج قیام مسلحانه نکرده بودند با آنها مدارا کرد. زندانشان نکرد و شلاقشان نزد و حتی سهمیه آنان از بیت‌المال را قطع نکرد. به آنها نیز همچون سایر افراد نگریست. (مطهری، ۱۳۶۸، ص ۱۴۳)

### ۳-۳. ممنوعیت تفتیش عقاید

بیان، مرحله بیرونی عقاید، دیدگاه‌ها و اندیشه‌هاست که افراد بدان شیوه با مخاطبان خود ارتباط برقرار می‌کنند. در مرتبه مقدم‌تر از آزادی بیان و در مرحله بیرونی، اصل وجود عقاید و اندیشه‌ها قرار دارد که چه بسا ممکن است در مخاطره بیفتد و انسان به دلیل داشتن امری درونی که هیچ ظهور و بروزی ندارد مورد بازخواست و محاکمه قرار گیرد؛ همان‌گونه که این پدیده در دوران حاکمیت کلیسا در دوره قرون وسطی اتفاق افتاد و دانشمندی مانند گالیله ایتالیایی به جرم آزادی اندیشه (مخالفت با دیدگاه هیئت بطلمیوس مبتنی بر مرکزیت زمین و گردش خورشید به دور آن، اذعان به دیدگاه خورشید مرکزی و زمین‌گردشی) به مرگ محکوم شد. سرانجام به دلیل جرم ناکرده‌ای، برای حفظ جان‌ش به ناچار توبه کرد. (ویل دورانت، ۱۳۸۶، ص ۷۱۷) دیدگاه اسلام در این باره نیز شفاف است. این شریعت، حریم دین مقدس اسلام را از اکراه به دور دانسته و آن را امری مکروه و اجبارناپذیر خوانده است (ر.ک.، بقره: ۲۵۶). بر این اساس، انسان‌ها در داشتن عقیده آزاد هستند و تفتیش از اینکه آنان به چه دین یا مذهبی معتقدند، ممنوع است. البته تفتیش و تفحصی ممنوع است که برای دارندگان عقاید، تهدید، ضرر و آزاری در پی داشته باشد. قرآن کریم مسلمانان را از تجسس به طور مطلق نهی فرموده است (ر.ک.، حجرات: ۱۲).

گستره اطلاق این نهی، جست‌وجو از عقاید اشخاص را نیز دربرمی‌گیرد. (جوان‌آراسته، ۱۳۸۴، ص ۱۳۰) قرآن در مورد دیگر به مسلمانان دستور می‌دهد که هرکس اسلام خود را اظهار نمود با آغوش باز از وی استقبال کنید و در پی تفتیش از عقاید درونی وی برنیایید (ر.ک.، نساء: ۹۴). صرف نظر از آیاتی که برشمرده شدند، جریان نفاق در اسلام، گروه قابل توجهی از

مسلمانان را شامل می‌شود. قرآن داستان منافقان را در آیات متعددی بیان کرده است. پیامبر اسلام ﷺ هیچ‌گاه از عقاید درونی آنها جست‌وجو نکرد تا از آنها نسبت به داشتن این باور قلبی بازخواست کند. همچنین چگونگی تعامل دیگر پیشوایان معصوم نیز ممنوعیت تفتیش عقیده را به خوبی می‌رساند (سجادی، ۱۳۹۰، ص ۱۰).

### ۳-۴. آزادی در تغییر دین و عقیده

از دیدگاه اسلام، تغییر عقیده مثبت و روبه‌رشد، خواسته این دین است. انسان تا ملتزم به دین اسلام نشده است در داشتن باورها و گرایش‌های قلبی و عمل به آن آزاد است؛ چه اینکه ساحت باور درونی انسان به طور طبیعی از هرگونه تحمیل‌پذیری به‌دور است (ر.ک.، بقره: ۲۵۶)، اما پس از آنکه وی از روی آگاهی و آزادانه، اسلام را آیین خویش کرد دیگر حق تغییر آن و گزینش دین جدید را ندارد (جوان‌آراسته، ص ۱۳۴). چنانچه پس از گزینش اسلام از آن برگردد براساس آموزه‌های این دین در زمره مرتدان است و مورد مجازات ویژه خود قرار خواهد گرفت. شاید فلسفه این نگرش جنبه سیاسی مسئله باشد که عده‌ای از دشمنان با انگیزه براندازی و برای ضربه زدن به این دین، اسلام را برمی‌گزیند و پس از گذشت اندکی، اعلام انصراف می‌کردند تا مسلمانان را با این شیوه نسبت به دینشان متزلزل کنند (ر.ک.، آل‌عمران: ۷۲). دین اسلام به مقتضی خاتم بودن و جهانی بودنش (ر.ک.، احزاب: ۴۰). همه انسان‌ها را به پذیرش خود فرامی‌خواند. بنابراین، تغییر عقیده‌ای که از نوع گرایش به دین اسلام باشد نه تنها ممنوع نیست، بلکه مطلوب هم هست و همه انسان‌ها نیز موظف هستند که به آن ملتزم شوند (ر.ک.، آل‌عمران: ۱۹).

### ۳-۵. آزادی در انتخاب حاکم اسلامی

در نهج‌البلاغه مردم در تعیین زمامدار حکومت نقش اصلی و اساسی دارند. آزاد بودن مردم در انتخاب حاکم تا آنجا اهمیت دارد که امام علی علیه السلام مشروعیت حکومت خود را در آزاد بودن مردم و رأی دادن آنها می‌داند. واضح است که مشروعیت ولایت و امامت علوی، الهی و



انتصابی است، ولی به فعلیت رسیدن آن در گرو مقبولیت و پذیرش مردمی است. اقبال مردم برای سپردن مسئولیت زمامداری جامعه به امام علی علیه السلام هرچند بعدها پیمان شکنی کردند در ابتدا با اختیار، آزادانه و بدون هیچ‌گونه ترس و اجبار بود. (عباسی، ۱۳۸۱، ص ۱۵) حضرت امیر در راستای بیعت آزاد و نه با اجبار و نه با تطمیع مردم می‌گوید: «مردم با من بیعت کردند نه به دلیل تسلط و قدرت حکومتی که آنها را مجبور کرده باشد و نه به دلیل مزد و پاداشی که برای بیعت‌کنندگان در نظر گرفته شده باشد» (نهج البلاغه، نامه ۵۴).

### ۳-۶. آزادی بیان

تحول و تکامل اندیشه جز در بستر بیان یعنی، انتقال و مبادله کلامی اندیشه بین آدمیان ممکن نشده است. بیان، ابزار تکامل اندیشه و حتی فعلیت آن بوده و هست. (عبداللهی، ۱۳۸۶، ص ۳۱) آزادی بیان را نمی‌توان از آزادی عقیده و آزادی مذهب و دین تفکیک کرد؛ زیرا فکر و اندیشه بدون سخن و بدون ابزار آن ارزشی ندارد (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۷۰، ص ۶۷). آزادی بیان عبارت است از: آزادی افراد در بیان عقیده و ایراد نطق و خطابه، بدون ترس از دخالت دولت (آقابخشی، ۱۳۷۴، ص ۹۸۵). همچنین آزادی بیان یعنی، اظهار مطلب، نظر، عقیده و احساس به صورت شفاهی یا کتبی یا تصویر یا به هر صورت دیگر (مهرپور، ۱۳۷۴، ص ۱۶۰).

آزادی بیان و انتقاد در نظام اسلامی، مصون و تضمین شده است، حتی این موضوع از نظر اسلام و حکومت اسلامی چیزی فراتر از آزادی است. اسلام اظهار نظر و انتقاد را از فرایض و واجبات می‌داند، نه جزو حقوق و آزادی‌ها؛ زیرا هرگاه انسان چیزی را دید که ناروایی آن آشکار باشد چنانچه مجال داشت بر او واجب است که در مورد آن سخن بگوید و هشدار بدهد و به هیچ‌وجه آزادی و اختیار ندارد که سکوت کند؛ زیرا کسی که از بیان سخن حق دریغ می‌ورزد و ساکت می‌نشیند در عمل، زمینه رشد باطل را فراهم کرده است. (عبداللهی، ۱۳۸۶، ص ۳۲)

## ۴. اصول و مبانی آزادی بیان در اسلام

### ۴-۱. آزادی عقیده و اندیشه

اسلام به تفکر و اندیشه اهمیت بسیار زیادی داده و حدود سیصد آیه در قرآن، مردم را به تفکر و تعقل ترغیب کرده است. (صفایی، ۱۳۸۲، ص ۴۷) بدون تردید اولین و اصولی ترین طرح قرآنی بر آغاز آزادی اندیشه و بیان در جامعه، برچیدن بساط جهالت از بستر فرهنگ هاست و این میسر نیست جز با عادت کردن انسان‌ها به اندیشیدن (مهرپور، ۱۳۷۴، ص ۱۴۱). آیاتی از قرآن کریم که در آنها خداوند انسان‌ها را به اندیشه و تعقل فرامی خواند: «مردم را تنها از راه برهان و دلیل روشن و پند و نصیحت نیکو به سوی خدایت دعوت کن و با آنان با نیکوترین روش به بحث و مناظره پرداز» (نحل: ۱۲۵)؛ «بی‌گمان در این امور (خلقت خود، زمین، آسمان‌ها و طبیعت) نشانه‌ها و دلایلی بر عظمت و قدرت خداوند برای افرادی که می‌اندیشند، وجود دارد» (روم: ۲۱)؛ «مسلماً در این آفرینش بسیار دقیق و پیچیده و منظم، نشانه‌هایی است فراوان برای اندیشمندان و دانشوران» (روم: ۲۲)؛ «آیا در زمین به گشت وگذار نپرداخته‌اند تا بنگرند سرانجام کار مردمان پیش از آنان به کجا رسیده است» (روم: ۹). پذیرش آزادی اندیشه متضمن این نکته است که هریک از افراد بشری با تفاوت‌هایی که میان آنها وجود دارد، می‌توانند بیندیشند و آن‌را به دیگران ارائه کنند.

### ۴-۲. امر به معروف و نهی ازمنکر

این امر از مهمترین فرایض و واجبات شرعیه است و اساس دین و رسالت و استقرار و بقای آن و حفظ کیان مسلمانان به اجرای این اصل بستگی دارد. (عبداللهی، ۱۳۸۶، ص ۳۸) قرآن کریم می‌فرماید: «از میان فرزندان بنی اسرائیل آنان که کفر ورزیدند و به زبان داود و عیسی بن مریم مورد لعنت قرار گرفته‌اند این (کفر) به دلیل آن بود که عصیان ورزیدند و از کار زشتی که مرتکب می‌شدند یکدیگر را باز نمی‌داشتند، راستی چه بد بود آنچه انجام می‌دادند» (مائده: ۷۹). خداوند می‌فرماید: «شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده‌اید؛ زیرا به کارهای



پسندیده فرمان می‌دهید و از کار ناپسند بازمی‌دارید و به خداوند ایمان دارید» (آل عمران: ۱۱۰). قرآن مسلمانان را جمعیتی می‌داند که یکدیگر را به نیکی فرامی‌خوانند و از نادرستی برحذر می‌دارند: «باید از شما برخی خلق را به خیر و صلاح دعوت کنند و مردم را به نیکوکاری امر و از نادرستی برحذر دارند» (آل عمران: ۱۰۴).

در اسلام، مسئولیت افراد از مسئولیت کارگزاران جدا نیست. اگر دولت‌ها جامعه را اداره می‌کنند مردم نیز عضو همان جامعه هستند. نظارت بر کارگزاران از مواردی است که در سیره حکومتی پیشوایان مسلمان وجود داشته است و مسلمانان به‌ویژه در صدر اسلام در مقابل حکومت، احساس مسئولیت می‌کردند و نظارت بر اعمال و رفتار زمام‌داران را حق خود می‌دانستند: «کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیت» (میرمحمدی، ۱۳۸۰، ص ۶). امام علی علیه السلام در وصیت خود به فرزندانش می‌فرماید: «امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید؛ زیرا نتیجه آن این خواهد بود که بدترین شما بر شما سلطه می‌یابد آن‌گاه هرچه دعا کنید، مستجاب نشود» (نهج‌البلاغه، وصیت ۴۷). در زمان حکومت حضرت علی علیه السلام به بهترین وجه، حق آزادی بیان و اظهارنظر رعایت شد و شیوه برخورد ایشان با متعصب‌ترین و بی‌منطق‌ترین مخالفان حکومتش یعنی، گروه خوارج، گواه بر این مدعاست (مهرپور، ۱۳۷۳، ص ۱۵۵).

امام علی علیه السلام آزادی بیان را محترم می‌شمرد و حتی مردم را تشویق و ترغیب به انتقاد از خودش می‌کرد و می‌فرمود: «پس با من چنان‌که با پادشاهان سرکش سخن می‌گویید، سخن مگویید و چنانچه از آدم‌های خشمگین کناره می‌گیرید، دوری نجوید و با ظاهرسازی با من رفتار نکنید و گمان برید اگر حقی به من پیشنهاد دهید بر من گران آید یا درپی بزرگ نشان دادن خویشی؛ زیرا کسی که شنیدن حق یا عرضه شدن عدالت بر او مشکل باشد، عمل کردن به آن برای او مشکل‌تر خواهد بود». (نهج‌البلاغه، نامه ۲۱۶) مهمتر از همه، عهدنامه ایشان به مالک اشتر نخعی است که از او می‌خواهد قسمتی از وقت خود را به مردم اختصاص دهد تا آنان در کمال آزادی و بدون هیچ لکنت‌زبانی شکایت خود را مطرح کنند (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳).

#### ۴-۳. آزادی جدل در امر دین و دعوت به مناظره و گفت‌وگو

یکی از پایه‌های اساسی در ادب اختلاف، گفت‌وگو به شیوه نیکوست. در اصطلاح و تعبیر قرآنی، جدل به شیوه احسن، همان شیوه‌ای است که خداوند در کتابش مؤمنین را به آن امر می‌فرماید: «به راه پروردگارت با حکمت و موعظه نیکو دعوت کن و با شیوه‌ای که بهترین است با آنان مجادله کن» (نحل: ۱۲۵). جدال در قرآن دو نوع است: جدل بالحسنی برای بیان حق و جدل باطل برای رد حق. بیشترین جدل‌های قرآن در امر دین، اعتقاد، گفت‌وگو در امر سیاست و امور زندگی آن جهانی است: «خداوند را پرستش کنید و غیر او معبود دیگری ندارید» (اعراف: ۵۹). «ای نوح، با ما جدال کردی و زیاده‌روی کردی. در این جدال اگر از راست‌گویانی، آنچه وعده می‌دهی یا می‌ترسانی بیاور» (هود: ۳۲). اینها نمونه‌هایی از جدل برای بیان حق بود. اولین کسی که جدال باطل را آغاز کرد ابلیس بود که در برابر خداوند گردن‌کشی کرد و از سجده در برابر آدم خودداری کرد و گفت: «من از او بهترم، مرا از آتش آفریدی و او را از گل» (اعراف: ۱۲).

این مسلک ابلیس نمونه‌ای تکبر و سوءاستفاده از آزادی اندیشه و بیان بود؛ زیرا وی به باطل با خداوند به جدل برخواست. قرآن کریم در زمانی که مردم جز تعصبات قومی و قول گذشتگان خود در مناسبات فکری و عقیدتی چیزی نمی‌دانستند و با اتکا به اوهام و خرافات و پیروی کورکورانه از بزرگان قوم، هرگونه عقل و اندیشه‌ای را تخطئه می‌کردند با بیان استدلال‌های محکم و قاطع آنها را به مبارزه می‌طلبید. (امیری، ۱۳۸۰، ص ۵۱) قرآن شیوه خود را در مبارزه با عقاید دیگران بر اصل مجادله به شیوه احسن سازمان می‌دهد که رد اعتقادات اشتباه دیگر اقوام نه به شیوه توهین و حمله افراطی، بلکه از راه دلایل منطقی و روشن، تأثیر زیادی در قوت ایمان پیروان اسلام و واداشتن پیروان سایر اقوام به تفکر و اندیشه داشته و دارد (عبداللهی، ۱۳۸۶، ص ۵۱).

#### ۴-۴. شورا و نصیحت

خداوند به نبی خود، حضرت محمد ﷺ، فرمان مشورت با امت داده است. با وجود آنکه او از راه وحی پذیرنده هدایت الهی بود: «و کسانی که پاسخ پروردگارشان را اجابت کردند و نماز گزارند و با شوری کار خویش را پیش برند و از روزیشان صدقه دادند» (شوری: ۳۸). بنابراین، فرمان قرآن در مورد نسل‌های بعدی مسلمانان که دیگر پیامبر نیز در میان آنان نبود و دسترسی مستقیم به وحی نیز نداشتند، بسیار مؤکدتر است. باید توجه داشت که درباره موضوع خاصی که حکم آن در قرآن و سنت در دسترس باشد شوری امری زائد است و نباید اجازه داد شوری بر احکام قطعی و سنت فائق آید (عبدالهی، ۱۳۸۶، ص ۵۳). خداوند در قرآن به پیامبر خود می‌فرماید: «پس به رحمت الهی با آنان نرم خو و پرمهر شدی و اگر تندخو و سخت‌دل بودی قطعاً از پیرامون تو پراکنده می‌شدند، پس از آنان درگذر و برایشان آمرزش بخواه و در کارها با آنان مشورت کن و چون تصمیم‌گرفتی بر خدا توکل کن؛ زیرا خداوند توکل‌کنندگان را دوست دارد» (آل عمران: ۱۵۹). موظف شدن مسئولان به مشورت با مردم موجب پرهیز از استبداد، ایجاد زمینه انتقاد منطقی، احترام به نظرات مردم، استفاده از مشارکت فکری مردم و پرهیز از تحمیل و فشار بر آنهاست. اجرای این اصل قرآنی بدون وجود آزادی بیان امکان‌پذیر نیست (استادی، ۱۳۶۰).

#### ۴-۵. حق انتقاد و نصیحت به زمامداران مسلمانان

حق انتقاد یکی از نمونه‌های بارز حق آزادی بیان است. این حق برای یکایک شهروندان محفوظ است و هرکس می‌تواند دستگاه‌های مختلف سیاسی کشور را مورد انتقاد قرار دهد. به رسمیت شناختن حق انتقاد از سوی حاکمی به سود اوست؛ زیرا در این صورت علاوه بر آنکه پایبندی خود را به قانون نشان می‌دهد، حکومت را نیز از آفات درازمدت قانون‌شکنی حفظ می‌کند. نتیجه بستن را انتقاد، پرداختن تاوان سنگین بی‌عدالتی و قانون‌شکنی است. بزرگ‌ترین هم‌ره انتقاد، اطلاع‌رسانی است. هیچ حاکمیتی از داشتن اطلاعات بی‌نیاز نیست. برای مثال اگر در سطح جامعه نارضایتی‌هایی بروز کند و گزارش آن را به مقامات نرسانند و یا

ناقص برسانند نتیجه چنین سیاستی در بلندمدت، بی خبری سطح بالای حاکمیت از حقایق جامعه است. انتقاد هرچند تلخ، مفید است. اگر حاکمیتی به هر دلیلی خود را بی نیاز از اطلاعات برآمده از انتقادهای مردم بداند، باز نمی تواند کارکردهای انتقاد را نادیده بگیرد. وقتی فردی به هر دلیل - حق یا ناحق - از کسی انتقاد دارد و آن را به زبان می آورد، حس می کند که سبک شده است، اما اگر نتواند آنچه در دل دارد را بگوید تبدیل به عقده می شود و به شکل خشن تری بروز پیدا می کند. (اسلامی، ۱۳۸۹، ص ۳۸)

آورده اند که پیامبر ﷺ در واپسین روزهای عمر خود در مسجد حاضر شد و در آخرین سخنرانی خود به والی پس از خود چنین گوشزد کرد: «در را به روی مردم نبند (راه حضور آنان را باز بگذار) تا زورمندان ضعیفان را لقمه نکنند» (بغدادی، ۱۴۱۳، ص ۱۰۰). امام علی علیه السلام در مورد زمام داری خود می فرماید: «ای مردم، مرا بر شما و شما را بر من حقی است. حق شما بر من آن است که از خیرخواهی شما دریغ نوزم و حق من بر شما این است که در بیعت وفادار بوده و در نهان و آشکار، خیرخواهی و نصیحت را از دست ندهید» (نهج البلاغه، خطبه ۳۴). امام صادق علیه السلام نیز می فرماید: «محبوب ترین برادرانم نزد من کسی است که عیب هایم را به من هدیه کند» (حکیمی، ۱۳۷۰، ص ۱۹۶). نصیحت به زمام داران مسلمان نیز بایی است که در فقه سیاسی اسلام گشوده شده است (مازندرانی، ۱۳۴۲، ص ۱۹).

کتاب اصول کافی در باب «النصیحه لائمہ المسلمین» می آورد: «پیامبر اسلام در مسجد خیف سرزمین منا و در مراسم حج در میان مردم فرمود: خدا یاری دهد آنکه سخنم بشنود و آن را حفظ کند و نگه دارد و به آنکه نشنیده است برساند. دل مرد مسلمان در سه چیز، کینه و خیانت نمی کند: عمل خالص برای خدا، نصیحت به زمام داران مسلمان و تحکیم جامعه اسلامی» (کلینی، ۱۳۸۸، ۴۰۳/۱). بدیهی است نصیحت در اینجا موعظه نیست. این کار از دست هر مرد و زن سالخورده ای به آسانی برمی آید، بلکه نصیحت یعنی، خیرخواهی و نمایاندن راه درست به زمام دار. هدف در نصیحت آن است که آنچه واقعیت حیات سیاسی، اجتماعی و زندگی ملتی ایجاب می کند بی واهمه بتوان به صاحبان قدرت منتقل کرد. در زبان تازی،

نصیحت آن است که فردی را به چیزی که صلاح است، بخوانند و از آنچه فساد است، دور سازند (آقابخشی، ۱۳۷۴).

## ۵. محدودیت‌های آزادی بیان در اسلام

این نکته بدیهی است که نقش زندگی اجتماعی و وجود حکومت‌ها و نهادهای مختلف به منزله پذیرش نظم، قاعده و چهارچوب ازسوی حاکمان و مردم و در نتیجه محدود شدن هر دوی آنهاست. بنابراین، همه حکومت‌ها، ملت‌ها و مکتب‌های فکری، واقعیتی به نام محدودیت را پذیرفته و تفاوت حکومت، ملت‌ها و مکاتب در میزان و ظرفیت پذیرش این محدودیت‌هاست؛ زیرا آزادی مطلق و بی‌قید و شرط، نابودکننده آزادی است. هگل آزادی مطلق را ترور می‌داند. (عبدالهی، ۱۳۸۶، ص ۸۲) علمای اصول فقه اسلامی دو اصل را مبنای قضاوت خود در مسئله محدودیت‌های آزادی قرار داده‌اند: قاعده تسلیط که حکم «الناس مسلطون علی اموالهم و انفسهم و اعمالهم» یعنی، بیان اصل آزادی و فرمانروایی اشخاص بر خود و داراییشان است. قاعده دیگر قاعده لاضرر است و بیان آن این است: «لاضرر و لااضرار فی الاسلام». منظور آن این است که هیچ‌کس نمی‌تواند دایره استفاده از آزادی موجب ضرر رسانیدن به دیگران شود (صناعی، ۱۳۴۴، ص ۲۵۶). اگرچه حق هر انسانی است که آنچه را حق می‌داند ابراز و با زبان و قلم از عقیده خویش دفاع کند، ولی آزادی بیان، آزادی بی‌قید و شرطی نیست، بلکه مشروط به این است که نوشته و گفته آدمی، خارج از آداب عمومی و اخلاق نیک و مغایر با نصوص و قواعد شرعی نباشد (عوده، ۱۴۰۵، ص ۳۸). یکی دیگر از محدودیت‌های آزادی بیان، نسبت دادن کفر به مسلمانان است. خداوند در سوره نساء می‌فرماید: «به آن کسی که اظهار اسلام کند نسبت کفر ندهید» (نساء: ۹۴). محدودیت دیگر آزادی بیان، ترویج فساد و فحشا با بیان و اظهار مطالب جنسی، مستهجن و تحریک‌کننده است. خداوند می‌فرماید: «همانا کسی که دوست دارد فحشا در میان مؤمنین شیوع پیدا کند، برای آنان در دنیا و آخرت عذاب دردناکی است» (نور: ۱۹).

توهین به مقدسات یکی دیگر از محدودیت‌های آزادی بیان است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «مقدسات مردمی را که غیرخدا را ستایش می‌کنند مورد بی‌حرمتی قرار ندهید؛ زیرا آنان نیز از روی دشمنی و جهالت همین کار را با خدای شما خواهند کرد» (انعام: ۱۰۸). توهین به پیامبر ﷺ و ائمه معصومین علیهم‌السلام ممنوع و مستوجب اعدام است. بیشتر مذاهب اسلامی توبه دشنام‌دهنده را نمی‌پذیرد. گفته شده است که لازم نیست در محکمه‌ای این امر رسیدگی شود، بلکه مردم می‌توانند خودشان به کشتن توهین‌کننده اقدام کنند (ولایی، ۱۳۸۰، ص ۲۵). بیان اندیشه‌های مخالف دین، اگر به مرز افترا و دروغ بستن به خدا برسد، ممنوع است و نمی‌توان آن را در چهارچوب آزادی بیان، مجاز دانست. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «کیست ستمکارتر از آن کس که بر خدا دروغ بندد یا آیات خدا را تکذیب کند. همانا این‌گونه ستمکاران را در دو عالم، فلاح و رستگاری نخواهد بود» (انعام: ۲۱). بدعت و اظهار نیز براساس هوی و هوس در اسلام ممنوع است و محدودیت آزادی اندیشه و بیان محسوب می‌شود. بغی، یکی دیگر از موارد محدودیت آزادی بیان است که معنای بی‌قانون و خودداری از تصدیق حقیقت و تجاوز از حدود امور با نیت فساد، دغل‌کاری و کبر ورزیدن است. بغی همچنین به معنای مخالفت با اطاعت از حکومت قانون است. فتنه یکی دیگر از محدودیت‌های آزادی بیان است. شاید مهمترین محدودیتی که بر آزادی بیان در اسلام وارد می‌شود، مسئله ارتداد است که مسلمانان و علمای اسلامی را با چالشی بزرگ مواجه کرده است. کسانی که از آزادی عقیده از منظر دین دفاع می‌کنند و بر مبنای اعتقادات اسلامی به توجیه آن می‌پردازند با این سؤال مواجه می‌شوند که آیا در اسلام تغییر عقیده از اسلام به کفر پذیرفته شده است؟

## ۶. آزادی احزاب و اقلیت‌های مذهبی

احزاب و اقلیت‌های مختلف در دستگاه خلافت امام علی علیه‌السلام آزادی‌های مشروع خود را داشتند. حضرت امیر علیه‌السلام به بهانه عدم بیعت آنان یا تمرد خوارج از اطاعت او و یا به سبب توهین خوارج، حقوق و سهم بیت‌المال آنها را قطع نکرد و امنیت جانی یا مالی ایشان را سلب نکرد. امام علی علیه‌السلام فقط در مورد دست‌اندازی آنها به حقوق مالی، جانی یا امنیتی مسلمانان



دربار آنها می‌ایستاد. (عباسی، ۱۳۹۲، ص ۱۴) این آزادی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز آمده است. اصول ۲۶ و ۲۷ قانون اساسی به این دو مهم توجه شده است. اصل ۲۶: «احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی و اقلیت‌های مذهبی و دینی شناخته‌شده، آزادند؛ مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچ‌کس را نمی‌توان از شرکت در آنها منع یا به شرکت در یکی از آنها مجبور کرد». اصل ۲۷: «تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها بدون حمل سلاح به شرط آنکه مخل به مبانی اسلام نباشد، آزاد است».

## ۷. حقوق غیرمسلمانان در جامعه اسلامی

### ۷-۱. کرامت انسانی

شهروندان غیرمسلمانی که در جامعه اسلامی زندگی می‌کنند صرف‌نظر از عقیده به دلیل انسان بودن، مورد احترام و تکریم هستند. برخی آیات قرآن کریم به مسلمانان فرمان می‌دهد با هر کسی که با آنان سر ستیز ندارند و آنها را از خانه و کاشانه‌شان بیرون نرانده است، خوش‌رفتار باشند» (ممتحنه: ۸). این آیه، عام است و شامل هر غیرمسلمانی از جمله پیروان ادیان و مذاهب غیرتوحیدی نیز می‌شود. قرآن حتی در مواردی که گروهی به مسلمانان ستم کنند و آنها را از خانه و کاشانه‌شان بیرون برانند، دستور می‌دهد در برخورد با این عده نیز از جاده عدل و انصاف خارج نشوید و در دفع ستم آنها عادلانه رفتار کنید: «و خصومت با جمعیتی که شما را از آمدن به مسجد الحرام بازداشتند نباید شما را به تعدی و تجاوز وادار کند و همواره در راه نیکی و پرهیزکاری با هم تعاون کنید و در راه گناه و تعدی همکاری ننمایید» (مائده: ۲). برای رعایت حقوق شهروندان غیرمسلمان تأکید شده است: «اگر کسی فردی را که در پناه اسلام است مورد ظلم قرار دهد و بیش از توانش او را مجبور کند من در روز قیامت درمقابل او به احتجاج خواهم پرداخت» (بلاذری، ۱۳۷۹، ص ۱۶۳). آن حضرت همه را در برخورداری از نعمت‌های طبیعی، عیال الله و محبوب‌ترین آنها را در نزد خداوند سودمندترین

می‌دانستند (کلینی، ۱۳۸۸، ۱۶۴/۲). چنان‌که مردم را در برخورداری از امتیازات و عمل به وظایف اجتماعی مانند دندانه‌های شانه، مساوی می‌دانست (ابن بابویه، ۱۴۰۴، ص ۵۷۹).

#### ۷-۲. مصونیت همه جانبه

جان، مال، ناموس، معابد، شخصیت و آبروی غیرمسلمانی که در جامعه اسلامی زیست می‌کند، محفوظ است و هیچ مسلمانی حق ندارد به صرف اختلاف عقیدتی با غیرمسلمانان به حریم آنها تجاوز کند. (زیدان، ۱۳۳۳، ۸۱۲/۴)

#### ۷-۳. آزادی مذهبی

غیرمسلمانانی که در جامعه اسلامی به زندگی مشغول هستند، می‌توانند به اعتقادات خود وفادار باشند و کسی که از عقیده و اندیشه آنان تفتیش نکند آنها را وادار به پذیرش اسلام نخواهند کرد. آنها می‌توانند به طور صریح و بی‌پرده، اعتقادات خود را بیان کنند و با مسلمانان اهل نظر و اندیشه، بحث و گفت‌وگو کنند. در بعد عملی نیز پیروان سایر مذاهب می‌توانند آزادانه مراسم مذهبی خود را برگزار کنند. در عهدنامه پیامبر ﷺ با مسیحیان سینا بر آزادی کامل آنها در اعمال مذهبی تأکید شده است. (زیدان، ۱۳۳۳، ۸۱۲/۴)

#### ۷-۴. آزادی فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی

در بعد اقتصادی، اختیار همه اموال و دارایی‌های غیرمسلمانان با خود آنهاست و مالکیت آنها نسبت به اموالشان معتبر است، حتی چیزهایی مثل شراب و خوک که در فرهنگ اسلامی، فاقد ارزش مالی هستند. در بعد آزادی اجتماعی و سیاسی، بهترین و رساترین دلیل، پیمان‌های رسول اکرم ﷺ با غیرمسلمانان است. (عزیزان، ۱۳۹۲، ص ۱۷)

#### ۷-۵. حقوق قضایی

غیرمسلمانانی که در جامعه اسلامی زندگی می‌کنند از نظر قضایی، حقوقی دارند مانند استقلال قضایی، حق شکایت از مسلمانان، دیه غیرمسلمان و قصاص مسلمان در برابر غیرمسلمان. (عزیزان، ۱۳۹۲، ص ۱۷)

## ۸. انواع آزادی در اسناد بین‌الملل حقوق بشر

انسان موجودی است که به‌طور فطری از تقيیدات و دربند بودن روگردان است. ازاین‌رو، حق آزادی، پشتوانه بسیار قوی و نیرومندی دارد. با نگاهی به تاریخ مشخص می‌شود که این حق در بسیاری از موارد نادیده انگاشته شده است. چه‌بسا انسان‌هایی که به‌دلیل باور و عقیده‌شان به دین و مذهب یا طرز تفکر خاص، مورد قتل، شکنجه، محروم شدن از حقوق اجتماعی قرار گرفته‌اند. (مهرپور، ۱۳۹۲، ص ۱۶۳) نمونه بارز آن در دوران حکومت ارباب کلیسا در قرون وسطی دیده می‌شود. هم‌اکنون نیز مردم در برخی از کشورها آزادی بیان به حد کافی ندارند. بنابراین، ضرورت توجه به حقوق بنیادین مثل آزادی عقیده و بیان در اسناد بین‌الملل روشن می‌شود. بعد از رنسانس و توجه جامعه جهانی به حقوق انسان، حق آزادی عقیده و عدم تعرض به باورهای دیگران از جمله حقوق، مبنایی است که در همه اسناد بین‌المللی حقوق بشر گنجانده شده است. در اسناد بین‌الملل، بعضی از مواد به‌هر دو حق آزادی عقیده و بیان اشاره کرده است، ولی بعضی از مواد این دو حق را به‌طور مجزا بررسی می‌کند.

### ۸-۱. آزادی دین و عقیده

اگرچه بعضی از جلوه‌های حق آزادی را می‌توان در بعضی از اسناد قدیمی همچون منشور کوروش مشاهده کرد (مرادی غیاث‌آبادی، ۱۳۸۴، ص ۹)، اما ریشه حق آزادی دین به معنای امروزی به قرن هجدهم برمی‌گردد. غیر از منشور باستانی کوروش هیچ‌یک از اسناد باستانی و قرون وسطایی به حق آزادی دین اشاره نکرده‌اند، حتی منشور کبیر انگلستان که اولین قانون اساسی بدون است. اولین نشانه از حق عمومی آزادی دین را می‌توان در متمم اول قانون اساسی آمریکا دید: «کنگره در خصوص استقرار مذهب، سلب پیروی آزادانه از آن یا محدود ساختن آزادی بیان یا مطبوعات یا حق افراد در برگزاری اجتماعات آرام، دادخواهی مردم از حکومت برای جبران خسارت، حق قانون‌گذاری ندارد» (اولین اصلاحیه قانون اساسی آمریکا، ۱۷۸۹). فرآیند به‌رسمیت شناختن حق آزادی دین و تعریف دقیق‌تر آن را می‌توان در اعلامیه فرانسوی حقوق بشر و شهروند به سال ۱۷۸۹ مشاهده کرد: «نمی‌توان هیچ‌کس را به‌دلیل

نظرهایش از جمله عقاید دینی اش مورد اذیت قرار داد مشروط به اینکه ابراز آن عقاید، نظم عمومی قانون را مختل نکند» (اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه، ماده ۱۰).

## ۹. اسناد بین المللی و منطقه‌ای حق آزادی دین و عقیده

### ۹-۱. اعلامیه جهانی حقوق بشر

ماده ۱۸: «هرکس حق دارد از آزادی فکر، وجدان و مذهب بهره‌مند شود. این حق متضمن آزادی تغییر مذهب یا عقیده و همچنین آزادی اظهار عقیده و ایمان است و نیز شامل تعلیمات مذهبی و اجرای مراسم دینی است. هرکس می‌تواند از این حقوق منفرداً یا مجتمعاً به طور خصوصی یا به طور عمومی برخوردار باشد». اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۱۹: «هرکس حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور شامل آن است که از داشتن عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و اخذ و انتشار آن به تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظات مرزی، آزاد باشد».

### ۹-۲. میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی

ماده ۱۸- بند ۱: «هرکس حق آزادی فکر، وجدان و مذهب دارد. این حق شامل آزادی داشتن یا قبول یک مذهب یا معتقدات به انتخاب خود، همچنین آزادی ابراز مذهب یا معتقدات خود، خواه به طور فردی یا جماعت، خواه به طور علنی یا در خفا در عبادات و اجرای آداب و اعمال و تعلیمات مذهبی است». میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۱۸- بند ۲: «هیچ کس نباید مورد اکراهی واقع شود که به آزادی او در داشتن یا قبول یک مذهب یا معتقدات به انتخاب خودش لطمه وارد آورد». میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۱۸- بند ۳: «آزادی ابراز مذهب یا معتقدات را نمی‌توان تابع محدودیت‌هایی نمود، مگر آنچه منحصرراً به موجب قانون پیش‌بینی شده و برای حمایت از امنیت، نظم، سلامت یا اخلاق عمومی یا حقوق و آزادی‌های اساسی دیگران ضرورت داشته باشد». میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۱۸- بند ۴: «دولت‌های طرف این میثاق متعهد می‌شوند که آزادی

والدین و برحسب مورد، سرپرستان قانونی کودکان را در تأمین آموزش مذهبی و اخلاقی کودکان مطابق معتقدات خودشان محترم بشمارند». نظر نویسنده حاضر در مورد این ماده: «دادن آزادی به والدین کودکان (یا به سرپرستان قانونی آنها) ممکن است دوسورت داشته باشد: الف) حق آزادی والدین در تربیت مذهبی و اعتقادی فرزندانشان و حق انتخاب مذهبی که از نظر آنها کامل‌ترین و بهترین مذهب است، برای فرزندانشان؛ ب) دادن این حق به والدین و یا سرپرستان ممکن است از جنبه‌ای با آزادی خود کودک در انتخاب مذهب موردنظر و علاقه خویش در تعارض و تداخل باشد». میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۱۹- بند ۱: «هیچ‌کس را نمی‌توان به مناسبت عقایدش مورد مزاحمت و اخافه قرار داد». میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۲۷: «در کشورهایی که اقلیت‌های نژادی-مذهبی یا زبانی وجود دارند اشخاص متعلق به اقلیت‌های مزبور را نمی‌توان از این حق، محروم کرد که مجتمعاً با سایر افراد گروه خودشان از فرهنگ خاص متمتع و به دین خود متدین بوده و براساس آن عمل کنند یا به زبان خود تکلم نمایند».

#### ۹-۳. اعلامیه فرانسوی حقوق بشر و شهروند سال ۱۷۸۹

ماده ۱۰: «نمی‌توان هیچ‌کس را به دلیل نظرهایش از جمله عقاید دینی‌اش مورد اذیت قرار داد مشروط بر آنکه ابراز این عقاید، نظم عمومی قانون را مختل نکند».

#### ۹-۴. اولین اصلاحیه قانون اساسی آمریکا

کنگره در مورد استقرار مذهب، سلب پیروی آزادانه از آن یا محدود کردن آزادی بیان یا مطبوعات یا حق افراد در برگزاری اجتماعات آرام، دادخواهی مردم از حکومت برای جبران خسارت، حق قانون‌گذاری ندارد.

#### ۹-۵. اعلامیه اسلامی حقوق بشر

ماده ۱۰: «اسلام دین فطرت است و به کار گرفتن هرگونه اکراه نسبت به انسان یا بهره‌برداری از فقر و یا جهل انسان برای تغییر این دین به دینی دیگر یا به الحاد جایز نیست».

## ۹-۶. اعلامیه اسلامی حقوق بشر

ماده ۱۸ - بند الف: «هر انسانی حق دارد نسبت به دین، خانواده، عرض و مال خویش در آسودگی زندگی کند». به نظر نویسنده حاضر این ماده حق آزادی دین را متذکر می‌شود. با این بیان که هر انسانی حق دارد نسبت به دینی که دارد و اعتقاد نسبت به آن دین در آسایش باشد و هیچ محدودیت و فشاری بر او موجود نباشد.

## ۱۰-۱. آزادی بیان در اسناد بین‌الملل و منطقه‌ای حقوق بشر

اگرچه آزادی بیان به طور صریح در منشور ملل متحد ذکر نشده است، ولی اهمیت این نوع آزادی از بدو شکل‌گیری سازمان ملل متحد مورد توجه بوده است. بحث‌هایی که در کنفرانس سانفرانسیسکو در این ارتباط صورت گرفته بود حاکی از اهمیت برجسته این حق از بین سایر حقوق اساسی بشر است. (اعلامیه جهانی حقوق بشر)

## ۱۰-۱. اعلامیه جهانی حقوق بشر

ماده ۱۹: «هرکس حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور شامل آن است که از داشتن عقاید خود، بیم و اضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و در رساندن و انتشار آن با تمام وسایل ممکن، بدون ملاحظات مرزی، آزاد باشد».

## ۱۰-۲. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی

ماده ۱۹، بند ۲: «هرکس حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی تفحص و تحصیل و اشاعه اطلاعات و افکار از هر قبیل بدون توجه به سرحدات است؛ خواه شفاهاً یا به صورت نوشته یا چاپ یا به صورت هنری یا به هر وسیله دیگر فارغ از ملاحظات مرزی است».

## ۱۰-۳. کنفرانس اروپایی حقوق بشر

ماده ۱۰- بند الف: «هرکس حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی داشتن عقیده، دریافت و رساندن اطلاعات، بدون مداخله مقامات دولتی و بدون توجه به ملاحظات مرزی است. این امر مانع از آن نیست که دولت‌ها، کسب مجوز را برای خبرگزاری‌ها، تلویزیون و شرکت‌های

سینمایی الزامی کند». بند ب: « اعمال این آزادی‌ها از آنجا که اجرای آن توأم با تکالیف و مسئولیت‌هایی است، ممکن است مشروط به تشریفات، شرایط و محدودیت‌ها یا مجازات‌هایی شوند که قانون باشند و در چارچوب یک جامعه مردم‌سالار به نفع امنیت ملی، تمامیت سرزمینی یا رفاه عمومی برای ممانعت از بی‌نظمی، جرم و برای حمایت از بهداشت یا اخلاق و بی‌طرفی قوه قضاییه ضرورت داشته باشد».

#### ۱۰-۴. کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر

ذیل عنوان آزادی فکر و بیان مقرر می‌دارد: «هرکس حق آزادی فکر و بیان دارد. این حق مشتمل بر آزادی جست‌وجو، دریافت و رساندن اطلاعات و عقاید از هر نوع بدون توجه به محدوده مرزی چه به صورت شفاهی، نوشتاری، چاپی، به شکل هنر یا به هر وسیله دیگر به انتخاب افراد است». اعمال حقوق مصرح در بند قبل، نباید مشروط به سانسور ابتدایی شود، بلکه باید مشروط به تحمیل الزامات متعاقب شود که به طور صریح توسط قانون پیش‌بینی شده و تاحدودی برای تضمین احترام به حقوق و حیثیت دیگران و حمایت از امنیت ملی، نظم عمومی یا رفاه همگانی و اخلاق ضرورت داشته باشد.

حق آزادی بیان نباید با روش‌ها و ابزارهای غیرمستقیم مانند سوءاستفاده حکومت یا کنترل‌های خصوصی بر روزنامه، رادیو، نوسان امواج رادیویی یا تجهیزات استفاده شود. باوجود مقررات بند دوم، تفریحات عمومی ممکن است توسط قانون مشروط به سانسورهای ابتدایی تنها برای حفظ حمایت از اخلاق کودکان و نوجوانان در دسترسی به آنها شود. هرگونه تبلیغ برای جنگ و هر نوع حمایت از ملیت، نژاد و تنفر مذهبی که باعث ترغیب به خشونت غیرقانونی یا هر نوع عمل غیرقانونی مشابه برضد هر شخص یا گروهی از اشخاص اعم از جنس آنها، رنگ، مذهب، زبان یا اصالت ملی شود باید جرم محسوب شده و قابل مجازات به وسیله قانون تلقی شود.

## ۱۰-۵. منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها

ماده ۹، بند ۱: «هر شخصی باید دریافت اطلاعات را داشته باشد». بند ۲: «هر شخصی باید حق بیان و اشاعه عقایدش در چارچوب قانون را داشته باشد». اعلامیه اسلامی حقوق بشر، ماده ۲۲، بند الف: «هر انسانی حق دارد عقیده خود را به هر شکلی که مغایر با اصول شرعی نباشد، آزادانه بیان کند». بند ب: «هر انسانی حق دارد با رعایت ضوابط شریعت اسلام، امر به معروف و نهی از منکر کند».

## ۱۰-۶. مصادیق و جلوه‌های آزادی بیان در نظام بین‌الملل حقوق بشر

این مصادیق عبارتند از: حق دسترسی به اطلاعات، تکنولوژی‌های جدید و اطلاع‌رسانی، آزادی مطبوعات، هنر، بیان تجاری، خبرگزاری، رادیو و تلویزیون و شرکت‌های سینمایی.

## ۱۰-۷. موازین محدودکننده آزادی بیان

ماده ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر محدودیت‌هایی بر تمام حقوق مندرج در اعلامیه مقرر کرده است که قابل اطلاق بر آزادی بیان است. هرکس در اجرای حقوق و استیفای آزادی‌های خود فقط تابع محدودیت‌هایی است که به وسیله قانون برای تأمین شناسایی و مراعات حقوق و آزادی‌های دیگران و برای مقتضیات صحیح اخلاقی، نظم عمومی و رفاه همگانی وضع شده است. این حقوق و آزادی‌ها در هیچ مواردی نمی‌توانند برخلاف مقاصد و اصول ملل متحد اجرا شود. ماده ۱۹ بند ۳: «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی سیاسی: الف) احترام به حقوق و حیثیت دیگران؛ ب) حمایت از امنیت ملی و نظم عمومی؛ ج) اخلاق و رفاه همگانی».

ماده ۲۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، بند الف: «هرگونه تبلیغ برای جنگ به موجب قانون ممنوع است». بند ب: «هرگونه ترغیب به تنفر ملی یا نژادی که محرک تبعیض یا مخاصمه یا اعمال زور باشد به موجب قانون ممنوع است». بند ب ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر: «امنیت ملی، تمامیت سرزمینی، رفاه همگانی، برای ممانعت از بی‌نظمی، جرم، برای حمایت از بهداشت یا اخلاق، برای حمایت از حیثیت یا حقوق دیگری، برای ممانعت از افشای اطلاعات محرمانه دریافتی یا حفظ اقتدار و بی‌طرفی قوه قضاییه». ماده ۱۳



کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر: «با منع سانسور ابتدایی، برخی الزامات و محدودیت‌های متعاقب را مجاز می‌شمارد». در بند ۴ همین ماده سانسور ابتدایی در برخی تفریحات عمومی را برای حفظ و حمایت از اخلاق کودکان و نوجوانان در دسترسی به آن مجاز می‌شمارد و در بند ۵ تبلیغ به جنگ، تنفر نژادی، مذهبی و ترغیب به خشونت را ممنوع می‌کند» (رضایی نژاد، ۱۳۸۰، ص ۴).

#### ۱۰-۸. حق آزادی احزاب و اقلیت‌های مختلف در اسناد بین‌الملل

میثاق بین‌الملل حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۲۷: «در کشورهایی که اقلیت نژادی-مذهبی یا زبانی وجود دارد، اشخاص متعلق به اقلیت‌های مزبور را نمی‌توان از این حق محروم کرد که مجتمعاً با سایر افراد گروه خودشان از فرهنگ خاصی متمتع و به دین خود متدین بوده و براساس آن عمل یا به زبان خود تکلم کنند».

#### ۱۱. مقایسه و تطبیق

##### ۱۱-۱. آزادی در داشتن تغییر و بیان عقیده

ماده ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر می‌نویسد: «هرکس حق دارد که از آزادی فکر، وجدان و مذهب بهره‌مند شود». این حق متضمن آزادی تغییر مذهب یا عقیده و همچنین متضمن آزادی اظهار عقیده و ایمان است. آنچه در این بند اعلامیه با آموزه‌های اسلام مخالف به نظر می‌رسد، مسئله تغییر عقیده است. از دیدگاه اسلام، تغییر عقیده فقط در صورت مثبت و روبه‌رشد بودن، پسندیده و قابل قبول و خواسته اسلام است. انسان تا زمانی که مذهب کامل یعنی، اسلام را نیافته است در داشتن، جست‌وجو، تحقیق و پذیرفتن ادیان و مذاهب آزاد است، اما پس از آنکه با آگاهی و آزادانه اسلام را پذیرفت دیگر حق تغییر آن و گزینش دین جدید ندارد. چنانچه اگر این کار را انجام دهد، مرتد محسوب می‌شود و مجازات سنگین ویژه‌ای دارد.

## ۱۱-۲. آزادی بیان

در اسلام، مبانی آزادی بیان به صورت مبسوط و گسترده مطرح شده است که عبارتند از: مبانی مهم و حیاتی امر به معروف و نهی از منکر، دعوت به اندیشه و تعقل، مشورت و حق انتقاد از زمامداران مسلمان جامعه و نصیحت آنان بحث و مطرح شده‌اند که در نوع خود کم‌نظیر و در مقایسه با اسناد کنونی بین‌الملل بی‌نظیر است. این مبانی نشان‌دهنده این است که اسلام، آزادی روانی و اجتماعی را والاتر از صرف آزادی سخن گفتن و بیان کردن نظر شخصی می‌داند. همچنین به تأثیر بسیار چشم‌گیر نظر مسلمانان در جامعه اسلامی برای بهبود شرایط و اوضاع جامعه اسلامی اشاره دارد. بحث از امر به معروف و نهی از منکر نشان‌دهنده مسئولیت‌پذیری و احساس تعلق خاطر عمیق و خالص مسلمانان نسبت به جامعه خویش و اصلاح عیوب ظاهری و باطنی مسلمانان است.

## ۱۱-۳. آزادی معنوی

یکی دیگر از تفاوت‌ها و برتری‌های آموزه‌های اسلام بر اسناد بین‌الملل، اشاره به آزادی معنوی است. آزادی معنوی یعنی، وارستگی و عدم دلبستگی به هرگونه تعلقات و خواهش‌های نفسانی. آزادی معنوی یعنی، آزادی قسمت عالی و معنوی انسان از قسمت دانی و نفسانی او و عدم وابستگی به آن. آزادی معنوی جز از راه تقوا و تزکیه نفس حاصل نمی‌شود. همان عامل که عامل برتری در نزد خداوند سبحان است: «ان اکرمکم عندالله اتقاکم»؛ تقوا، انسان را از اسارت نفس و رذیله‌های زشتی چون طمع، حرص، حسد، کینه و بخل و... در امان نگاه می‌دارد و روح انسان را تعالی می‌بخشد و انسانی که در ناحیه روح خودش آزاد بشود، می‌تواند به دیگران آزادی بدهد. (رک، حجرات: ۱۱۳). جای چنین مسائلی عالی و مهمی در اسناد بین‌المللی که بیشتر تمرکز خود را بر آزادی جسم و زبان می‌گذارد، خالی است.

## ۱۱-۴. آزادی انتخاب حاکم اسلامی

در اسلام بحث مقبولیت مردمی در کنار مشروعیت الهی در انتخاب حاکم جامعه اسلامی، بحث مهم و حیاتی است. اینکه مردم حق انتخاب آزادانه حاکم خود را داشته باشند و در این

راه از هیچ فشار و محدودیتی و یا عواقب ناگواری ترس نداشته باشند، نشان دهنده کمال و غنای اسلام در اعطای ارزش به مسلمانان است. این اعطای حق به مسلمانان از جانب دینشان نهایت دموکراسی در جامعه است که فرد بتواند آزادانه زمامدار جامعه را انتخاب کند و از قدرت او هیچ هراسی نداشته باشد. براساس بررسی های نگارنده، در اسناد بین الملل به این حق شهروندان اشاره ای نشده بود.

## ۱۲. نتیجه گیری

اسلام و اسناد بین المللی حقوق بشر نگاه متفاوتی به بحث تغییر عقیده و مذهب دارند به طوری که در اسناد بین الملل، انسان را در هر مرحله از زندگی و با هر دین و عقیده ای که دارد، آزاد و مختار می داند تا به هر دین و عقیده ای که مایل است، بگراید، ولی اسلام، آزادی فرد را فقط تا قبل از گرویدن به اسلام می داند و بعد از گرایش به دین اسلام، دیگر حق تغییر دین و آیین خود را ندارد. البته لازم به ذکر است این گرایش به اسلام آگاهانه و اختیاری است و فرد می تواند با تحقیق و بررسی کامل، این دین را انتخاب کند. اسلام مبانی بسیار والا و ارزشمندی برای آزادی بیان ذکر می کند که مانند آنها در اسناد بین الملل دیده نمی شود. مبانی مانند امر به معروف و نهی از منکر، دعوت به اندیشه و تعقل و تفکر و مشورت و حق انتقاد از زمامداران مسلمانان.

تفاوت چشم گیر و مهم دیگر در مقایسه اسلام و اسناد بین الملل اشاره به آزادی معنوی توسط اسلام است. اسلام تأکید فراوانی به آزادی معنوی دارد. به قسمی که تا انسان آزادی معنوی نداشته باشد دیگر انواع آزادی ها هم برایش بی معنا خواهد بود. این درحالی است که اسناد بین الملل حقوق بشر، آزادی را آزادی تن و جسم می دانند و به آزادی معنوی توجه و شاید حتی آگاهی ندارند. در اسلام، تأکید فراوانی به حق انتخاب حاکم اسلامی توسط مردم شده است به طوری که تا حاکم مقبولیت مردمی نداشته باشد، مشروعیت الهی او هم مورد قبول واقع نخواهد شد.

## فهرست منابع

- \* قرآن کریم
- \* نهج البلاغه
۱. ابراهیمی، محمد (۱۳۹۳). اسناد بین المللی حقوق بشر. نشریه علوم انسانی و اسلام پژوهی، (۲)، ۴۰-۱۰۷-۱۲۷.
  ۲. ابن بابویه، محمد بن علی، حسینی، سیدهاشم (۱۳۹۸). طبقات الکبری. قم: جامعه مدرسین.
  ۳. اسلامی اردکانی، سیدحسن (۱۳۸۹). تأملاتی در مفهوم انتقاد، مجموعه مقالات همایش بین المللی حقوق بشر و گفت وگوهای تمدن ها، (۲)، ۲۳۱-۲۴۸.
  ۴. امیری، آبتین (۱۳۸۰). آزادی اندیشه و بیان از دیدگاه قرآن. تهران: انتشارات مؤلف.
  ۵. آقابخشی، علی اکبر (۱۳۶۶). فرهنگ علوم سیاسی (انگلیسی، فارسی). تهران: انتشارات بهرنگ.
  ۶. بلاذری، احمد بن یحیی (۱۹۸۸). فتوح البلدان. بیروت: دار مکتبه الهلال.
  ۷. بندریگی، محمد (۱۳۸۶). فرهنگ عربی به فارسی. قم: انتشارات اسلامی.
  ۸. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۴). ترمینولوژی حقوق. تهران: گنج دانش.
  ۹. جوان آراسته، حسین (۱۳۸۴). حقوق اجتماعی و سیاسی در اسلام. قم: دفتر نشر معارف.
  ۱۰. حمیری بغدادی (۱۴۱۳). قرب الاسناد. قم: مؤسسه آل البيت الاحیاء التراث.
  ۱۱. رضایی نژاد، ایرج (۱۳۸۰). آزادی بیان در نظام بین الملل حقوق بشر. نشریه اندیشه، شماره ۸، ۲۵-۳۰.
  ۱۲. روزنتال، فرانس (۱۳۷۹). آزادی از دیدگاه مسلمانان. مترجم: میراحمدی، منصور. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
  ۱۳. روسو، ژان ژاک (۱۳۵۸). قرارداد اجتماعی. مترجم: زیرک نژاد، غلامحسین. تهران: شرکت سهامی چهر.
  ۱۴. زیدان، جرجی (۱۳۳۳). تاریخ تمدن اسلامی. مترجم: جواهرکلام، علی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
  ۱۵. الشرطونی الخوری، سعید (۱۹۹۲). اقرب الموارد. بیروت: مکتبه البنان.
  ۱۶. شعبانی، قاسم (۱۳۸۸). حقوق اساسی و ساختار حکومت جمهوری اسلامی ایران. تهران: انتشارات اطلاعات.
  ۱۷. صناعی، محمود (۱۳۴۴). آزادی فرد و قدرت دولت بحث در عقاید سیاسی و اجتماعی. تهران: نشر کتاب.
  ۱۸. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۷۰). آزادی های عمومی و حقوق بشر. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
  ۱۹. طبری، ابن جریر (بی تا). تاریخ الامم و الملوک. بیروت: مؤسسه اعلمی.
  ۲۰. ظهیری سمرقندی، محمدبن علی (۱۳۸۱). سندبادنامه. تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
  ۲۱. عباسی، فرهاد (۱۳۹۱). آزادی، تعریف، حدود و انواع آن در حکومت دینی از دیدگاه نهج البلاغه. نشریه مطالعات حقوق بشر اسلامی، (۱)، ۹۹-۱۲۰.
  ۲۲. عبداللهی، جوانمیر (۱۳۸۶). بررسی تطبیقی حق آزادی بیان از دیدگاه اسلام و اسناد بین الملل حقوق بشر. تهران: نشر احسان.
  ۲۳. عوده، عبدالقادر (۱۴۰۵). التشريع الجنایی الاسلامی مقارنا بالقانون الوضعی. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
  ۲۴. کاپلستون، فردریک (۱۳۷۵). تاریخ فرهنگ و فلسفه. تهران: علمی و فرهنگی.
  ۲۵. کاشانی، عزالدین محمود (۱۳۹۳). مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه. تهران: شرکت نشر هما.
  ۲۶. کوئینتن، آنتونی (۱۳۷۱). فلسفه سیاسی. مترجم: اسعدی، مرتضی. تهران: انتشارات بین المللی هدی.
  ۲۷. مازندرانی، محمد صالح (۱۳۴۲). شرح الاصول والروضه. تهران: انتشارات المکتبه الاسلامیه للنشر و التوزیع.
  ۲۸. مرادی غیاث آبادی، رضا (۱۳۸۴). گزیده ای از کتاب منشور کوروش هخامنشی. تهران: انتشارات پژوهش های ایرانی.

۲۹. محمودی، محمدباقر (۱۳۴۷). نهج السعاده فی مستدرک نهج البلاغه نجف اشرف: موسسه النعمان .
۳۰. مطهری، مرتضی (۱۳۶۱). مجموعه یادداشت‌ها، سخنرانی‌ها و مصاحبه‌ها. قم: انتشارات دفتر اسلامی.
۳۱. مطهری، مرتضی (۱۳۶۶). گفتارهای معنوی. تهران: انتشارات صدرا.
۳۲. مطهری، مرتضی (۱۳۶۸). جاذبه و دافعه علی. تهران: انتشارات صدرا.
۳۳. مطهری، مرتضی (۱۳۷۱). انسان کامل. قم: انتشارات صدرا.
۳۴. مطهری، مرتضی (۱۳۷۵). پیرامون انقلاب اسلامی. قم: انتشارات صدرا.
۳۵. مطهری، مرتضی (۱۳۷۹). یادداشت‌ها. تهران: انتشارات صدرا.
۳۶. معین، محمد (۱۳۷۱). فرهنگ فارسی. تهران: امیرکبیر.
۳۷. موریس، کرنستون (۱۳۷۹). تحلیل نوین آزادی. مترجم: جلال‌الدین اعلم. تهران: امیرکبیر.
۳۸. مهرپور، حسین (۱۳۷۴). مجموعه تفسیری و شرعی دوره اول از تیرماه ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۵. تهران: دادگستر.
۳۹. میرمحمدی، مصطفی (۱۳۹۴). آزادی بیان در آموزه‌های دینی و حقوق بشر. نشریه رواق اندیشه، شماره ۴۴، ۹۴-۱۱۳.
۴۰. هاشمی، سیدمحمد (۱۳۷۹). حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران. تهران: نشر میزان.